

گزارشی از اپیدمی تب‌دنگی
با گسترش پشه آئدس در
بندرعباس

از پیست‌های خاکی بندرعباس
تا سکوی افتخار با
«منصور روشن قیاس»

پیشنهاد شهردار بندرعباس برای
تشکیل مجمع شهرهای ساحلی

گزارشی از پیگیری تعرض
تا عقب‌نشینی متخلفان در پرونده
ساحل مکسر

زهر بیر آسیایی

هرمزگان در محاصره پشه آئدس

زیر پوست شیبکوه



حجت حاجی زاده

اینجا مرکز ایران نیست. در فلات مرکزی ایران کوه ها دیوارهایی هستند که مرکز را از دریا جدا می کنند.

اما اینجا در جنوب ایران جغرافیا منطق دیگری دارد؛ کوهها و دریا در هم تنیده اند و هویت این سرزمین را مشترکاً می سازند.

ما در ساحل غربی هرمگان هستیم در سال ۴۵، جهان وسواس گونه به دنبال "بکر" بودن است. کاتالوگهای گردشگری جهانی مناطقی چون ساحل مکسر و گردنه ی مقام را با عباراتی چون منحصر به فرد و دست نخورده به فروش می رسانند اما در زیر این سطح فتوژنیک و کارت پستالی لایه هایی از تاریخ نفس می کشد که بسیار پیچیده تر و دردناک تر از آن چیزی است که در یک قاب توریستی می گنجد.

موضوع این مقال کاوش در هویت عربهای این سواحل است؛ از بندر لنگه تا گاوبندی. گروهی که در پژوهش های رسمی قومی ایران اغلب حضوری کم رنگ داشته اند. آنها اینجا هستند،

پهنه ای وسیع را در اختیار دارند اما گویی همواره در سایه ی تاریخ زیسته اند. اینجا است که لایه ی اول هویت آشکار می شود؛ آنها به عربی خلیج فارس تکلم می کنند. این مساله تنها یک زبان نیست بلکه یک اعلام هویت فرهنگی است؛ زبانی که آنها را نه به فلات مرکزی ایران بلکه مستقیماً به آن سوی آب به سواحل جنوبی خلیج فارس متصل می کند. مذهبشان، آیین هایشان و تمام مناسک اجتماعی شان پژواک همان فرهنگ مشترک در دو سوی آب است.

به بندر مقام می رویم؛ به خانه ی بنی حمادی. وقتی از مشاغل آبا و اجدادی شان می پرسیم، سه کلمه تکرار می شود صیادی، دریانوردی و مروارید. مروارید، صنعتی که پیش از ظهور نفت نبض اقتصادی این منطقه بود و با ظهور مروارید پرورشی زاین به ناگهان فرو پاشید. اما فروپاشی اقتصاد مروارید تنها ترازوی آنها نبود نیمه ی اول قرن بیستم همزمان با دگرگونی نقشه ی سیاسی منطقه حوادثی رخ داد که زندگی را در این سواحل به معنای پیشین

ناممکن کرد.

«مهاجرت» کلمه ای است که در دل همه ی روایت های ناگفته پنهان شده است. دورانی که بخش بزرگی از مردم این منطقه مجبور به ترک خانه های خود به مقصد حاشیه ی جنوبی خلیج فارس شدند. من به عنوان یک راوی تلاش کردم این داستانها را بشنوم. اما سالخورده گان اکراه دارند. این امر یک سکوت ناشی از فراموشی نیست؛ بلکه یک سکوت از سر کنشگری است. سکوتی آگاهانه برای محافظت از زخمی که هنوز تازه است. یادآوری آن روایتها برایشان خوشایند نیست و این ناخوشایندی "دقیقاً همان جایی است که تاریخ واقعی نهفته است. در جهانی که همه چیز باید به یک جاذبه ی گردشگری قابل هضم تقلیل یابد دیگر جایی برای اندوه گسسته های تاریخی باقی نمی ماند.

جغرافیا در اینجا تنها یک پس زمینه نیست؛ یک شخصیت فعال است. کوه سنجول، مانند دیواری محکم، شمال منطقه را بسته است؛ گویی یک نگهبان خاموش است که بندر را از

چیزی محافظت می کند و بعد درختان انجیر معابد (لور)؛ با قدمتی چند صد ساله. اینجا صرفاً گیاه نیستند؛ این ها آرشیو زنده ی تاریخ منطقه اند؛ اسنادی که شاهد آن مهاجرت ها و آن گسست ها بوده اند. آنجا در افق لاوان و شیدور دو جزیره ی بکر دست نخورده؛ گویی زمان در آنها متوقف شده است. آنها نمادی از گذشته ای هستند که پیش از آن که تاریخ مدرن مسیر خود را به این مردم تحمیل کند جریان داشت.

و سپس لایه ی نهایی این هویت پیچیده آشکار می شود؛ حضور سیاهان ایرانیزه شده و عرب زبان. حضور آنها تنوع قومی این خط ساحلی را به یک آزمایشگاه قوم شناسی بدل کرده است.

سفر من کوتاه بود. من با همان پرسشی بازگشتم که سفرنامه با آن تمام شد؛ "چرا درباره ی این مردم کمتر نوشته شده است؟" شاید پاسخ اینجا است؛ روایت آنها یک روایت ساده ی خطی نیست داستانی است از "تعلق" و "گسست" به طور همزمان؛ داستانی از

مردمی که در خاک ایران زندگی می کنند اما قلب فرهنگی شان با آن سوی دریا می تپد و این سکوت این روایت های ناگفته این اندوه به ارث رسیده... این ها دقیقاً همان چیزی هستند که مقام را فراتر از سواحل زیبایش، به مکانی برای تأمل عمیق درباره ی هویت، مرز و حافظه ی جمعی در قرن بیست و یکم تبدیل می کند.

هر سفری به خصوص چنین سفری، با یک پرسش اساسی آغاز می شود؛ "این مردم کیستند؟" ما جغرافیای این سرزمین را کالبد شکافی کردیم؛ کوه ها دریا و درختان کهنسال اما جغرافیا، تنها صحنه ی نمایش است. بازیگران اصلی انسانها هستند و در اینجا در این خط ساحلی بازیگران حاملان یک تاریخ

بسیار پیچیده و کمتر شنیده شده هستند. برای درک قوم شناسی این منطقه نمی توان صرفاً به سراغ کتابخانه ها رفت. اینجا تاریخ در کتاب ها نیست؛ تاریخ، شفاهی است. در سینه ی مردمان بنی حمادی و دیگر قبایل عرب ساکن است.



درخت لووره ۳۰۰ ساله در تنبانو





راحت برای تاریخ رسمی هیچ کشوری نیست. این روایت، داستان مردمی است که مرزهای سیاسی مدرن، خانواده هایشان را به دو نیم تقسیم کرده است. داستانی از تعلق که همزمان در دو سوی یک آب در دو سوی یک مرز سیاسی تعریف می شود.

این روایت، داستانی از گسست است؛ گسست از اقتصاد مروارید، گسست از خویشاوندان و گسست از گذشته ای که در آن دریا نه یک مرز بلکه یک شاهراه فرهنگی بود.

در مقام من با هویت سیال مواجه شدم. هویتی که مانند خود دریا دائماً در حال جزر و مد است؛ بین گذشته و حال بین این سو و آن سوی خلیج فارس.

این منطقه با تمام این فاکتورهای گردشگری بکر، یک کتاب نانوشته نیست. برعکس، کتابی است که نوشته شده اما به زبانی که ما غریبه ها قادر به خواندنش نیستیم؛ زبانی که از سکوت ساخته شده است.

شاید در عصر ۲۰۲۵ که همه چیز باید در لحظه به اشتراک گذاشته شود بزرگترین درسی که از بندر مُقام آموختم این بود؛ به رسمیت شناختن حق یک جامعه برای "نگفتن".

برخی داستانها مانند آن مرواریدهای نایاب نه برای نمایش در ویترین که برای ماندن در اعماق تاریک حافظه ی جمعی هستند؛ و این خود تاریخ است.

کنجکاو ی ام مواجه شدم: "انتخاب سکوت". آن داستانهای تلخ و دردناک که در دل سالخوردگان بود همانجا باقی ماند. هر بار که به آن نزدیک می شدم با نگاهی مواجه می شدم که می گفت "یادآوری خوشایندی نیست". این مورد یک فراموشی ساده نبود؛ یک مکانیزم دفاعی فعال بود.

و این موضوع مرا به پاسخ آن پرسش اساسی

«هویت مردم بندر مُقام پیش از هر چیز دریایی است و فروپاشی اقتصاد مروارید و سخت شدن مرزهای خلیج فارس، زندگی و خویشاوندی چندسویه آن ها را گسست و مهاجرتی تلخ و سکوتی ماندگار در حافظه جمعی شان به جا گذاشت.»

رساند "چرا درباره ی این مردم کمتر نوشته شده است؟"

پاسخ اینجاست؛ چون روایت آنها یک روایت تمیز و قابل بسته بندی برای مصرف آکادمیک یا توریستی نیست. یک روایت

این مهاجرت یک مهاجرت ساده برای کار نبود. این یک گسست بود، دو نیم شدن خانواده ها.

و اینجاست که آن سکوت معنادار می شود. این امر می تواند آن اکراهی را که من در سفر کوتاهم تجربه کردم، توضیح دهد چرا سالخوردگان از یادآوری آن دوران خوشنود نیستند؟ چون این یادآوری یک ترازوی است. یادآوری انتخابی که هیچ کس نباید مجبور به انجام آن باشد انتخاب بین وطن

آیا و اجدادی و بقای اقتصادی و فرهنگی. تاریخ رسمی، معمولاً داستان فاتحان و دولتهای مرکزی است. اما تاریخ واقعی این سواحل در همین داستان های ناگفته در همین سکوت سنگین سالخوردگان بندر مُقام نهفته است. تاریخی که هنوز زیر پوسته ی بکر و توریستی این منطقه زنده است و نفس می کشد.

وقتی آماده می شدم تا مُقام را ترک کنم یک احساس دوگانه داشتم ذهنم پر بود از توصیف جغرافیا؛ سختی کوه سنجول، زیبایی بی رحمانه ی ساحل مکسر و آن انجیرهای معابد چند صد ساله که گویی خود تجسم حافظه ی زمان بودند.

من معتقدم که "گفتن"، راهی برای درمان زخم های تاریخی است. اما اینجا در این خط ساحلی من با پدیده ای بسیار قدرتمندتر از

ی غالبی را پذیرفته اند که خود آن جامعه (عرب های هرمزگان) در مقیاس ملی ایران یک اقلیت محسوب می شود که خود یک در هم تنیدگی هویتی چندلایه است.

و سپس... تاریخ فرا می رسد. تاریخ مکتوب، تاریخی که با "دولت-ملت" مدرن آغاز می شود.

در نیمه ی اول قرن بیستم دو فاجعه ی همزمان برای این مردم رخ داد.

اولی اقتصادی بود؛ ظهور مروارید پرورشی ژاین؛ صنعتی که قرن ها اقتصاد این منطقه را تعریف می کرد ناگهان و به شکلی ویرانگر فروپاشید. دریا دیگر سخاوتمند نبود.

دومی سیاسی بود؛ سیاستهای تمرکزگرایانه ی دولت مرکزی در ایران (عمدتاً دوران رضا شاه). مرزها که زمانی بر روی آب سیال و قابل عبور بودند ناگهان سخت و نفوذ ناپذیر شدند. آن "دریاچه ی فرهنگی" به یک مرز استراتژیک امنیتی تبدیل شد.

و اینجاست که ما به آن مهاجرت تلخ می رسمیم. وقتی اقتصاد از بین رفت و سیاست، ارتباطات سنتی خویشاوندی و فرهنگی را قطع کرد، مردم مجبور به انتخاب شدند؛ بخش عظیمی از آنها به آن سوی آب رفتند؛ به جایی که هم خویشاوندانشان بودند و هم با ظهور نفت، فرصتهای اقتصادی جدیدی در حال شکل گیری بود.

هویت آن ها پیش از آن که ایرانی یا هر چیز دیگری باشد "دریایی" است. برای قرن ها، خلیج فارس برای آن ها یک مانع یا مرز نبوده است؛ برعکس، یک "دریای فرهنگی" فعال بوده است؛ یک پل ارتباطی. مردمی که در بندر مقام زندگی می کردند ارتباطات عمیق زبانی آیینی و مهم تر از همه خویشاوندی با مردمان آن سوی آب داشتند.

آنها صیادان مروارید بودند، این شغل یک شغل ساده نبود؛ یک ساختار اجتماعی کامل بود. نظامی از ناخدایان، غواصان و سرمایه گذاران که نبض اقتصادی منطقه را در دست داشتند. پژوهش های تاریخی نشان می دهد که این نظام یک نظم اجتماعی منسجم را در هر دو سوی خلیج فارس ایجاد کرده بود.

و بعد، لایه ی دیگری به این قوم شناسی افزوده می شود؛ حضوری که در نگاه اول برای بیننده ی خارجی شگفت انگیز است؛ سپاهان ایرانیزه شده. اینجا در ساحل غربی هرمزگان تاریخچه ی تجارت و برده داری اقیانوس هند و ارتباط با زنگبار و سواحل شرقی آفریقا، خود را نشان می دهد. اما آنچه از منظر قوم شناسی در سال ۲۰۲۵ اهمیت دارد این است که این گروه چگونه در ساختار اجتماعی میزبان حل شده اند. آنها نه تنها بخشی از این جغرافیا شده اند بلکه عرب زبان هم هستند. آنها زبان و فرهنگ جامعه



جاده بندر مقام



صید مروارید در سواحل هرمزگان و خلیج فارس بیش از دوهزار سال مهم ترین فعالیت اقتصادی، اجتماعی و حتی ساختار طبقاتی مردم ساحل نشین بود؛ نظامی منسجم از ناخدایان، غواصان و بازرگانان که زندگی ثروتمندان، فقرا و حتی بردگان به موفقیت آن وابسته بود.

زندگی و کارنامه «علی اقبالی»؛ پیشگام تحول بازار خرده‌فروشی در جنوب کشور

مردی که هایپرمارکت را به بندرعباس آورد



سامیه طهوریان

علی اقبالی، فرزند حسن، از چهره‌های تأثیرگذار در تحول نظام توزیع و فروش مواد غذایی و بهداشتی در جنوب ایران به شمار می‌رود؛ شخصیتی که با تلاش، تجربه و آشنایی با شیوه‌های نوین تجارت توانست الگوی تازه‌ای از فروشگاه‌داری مدرن را در بندرعباس پایه‌گذاری کند. او در بندرلنگه زاده شد و دوران ابتدایی زندگی و تحصیلات خود را در همین شهر گذراند. پس از پایان دوره مدرسه، همچون بسیاری از جوانان آن دوران، راه خدمت سربازی را در پیش گرفت و از سال ۱۳۲۹/۸/۸ تا ۱۳۳۱/۱۲/۸ به‌عنوان «دریست ناوی یکم» در بندرخرمشهر، بر روی ناو «بیر» تحت فرماندهی تیمسار مدنی خدمت کرد؛ دوره‌ای که نظم، مسئولیت‌پذیری و آشنایی با فضای منظم نیروی دریایی تأثیر عمیقی بر شیوه کاری او در آینده گذاشت. پس از پایان

خدمت نظام وظیفه، اقبالی برای مدتی به بحرین مهاجرت کرد. او در این کشور در یک داروخانه مشغول به کار شد و همین تجربه، نخستین گام او به سمت آشنایی با نظام عرضه کالاهای بهداشتی و دارویی بود. چند سال بعد، در سال ۱۳۲۸، به ایران بازگشت و این بار بندرعباس را محل سکونت و فعالیت آینده خود قرار داد؛ شهری رو به توسعه که به‌سرعت در حال تبدیل شدن به مرکز تجارت دریایی جنوب کشور بود. آشنایی او با زبان انگلیسی سبب شد تا در دفتر شرکت «نمایندگی ایران تور» متعلق به مرحوم حسن بلوکی استخدام شود. تجربه فعالیت در محیطی مرتبط با گردشگری و تجارت خارجی نگاه او را نسبت به نیازهای شهری و سبک‌های جدید ارائه خدمات گسترده‌تر ساخت. اما نقطه عطف زندگی حرفه‌ای علی اقبالی در سال ۱۳۳۵ رقم خورد؛ زمانی که او با نگاهی آینده‌نگر، نخستین فروشگاه مواد غذایی و بهداشتی به سبک امروزی شبیه به آنچه امروز «هایپرمارکت» نامیده می‌شود را در بندرعباس راه‌اندازی



گوشتی مانند سوسیس، کالباس، همبرگر و کباب لقمه، نقش مهمی در معرفی و جافتادن مصرف این گروه از محصولات در بازار بندرعباس داشت. مدیریت، نوآوری و جسارت او در وارد کردن نمونه‌های جدید کالا، سبب شد فروشگاهش به مرجع اصلی خریدهای مدرن در شهر تبدیل شود و الگویی برای نسل جدید

کرد. این فروشگاه مجهز به دو دستگاه سردخانه زیر صفر و بالای صفر بود؛ امکانی پیشرفته و کم‌نظیر برای آن دوران که امکان نگهداری استاندارد مواد غذایی را فراهم می‌کرد و کیفیت عرضه را به‌طور چشمگیری افزایش می‌داد. اقبالی با اخذ نمایندگی از چندین کارخانه تولید مواد غذایی و بهداشتی، به‌ویژه در حوزه فراورده‌های

فروشگاه‌داران باشد. فعالیت‌های او تنها به فروشگاه‌داری محدود نشد. اقبالی در چند دوره میان سال‌های ۱۳۲۰ تا ۱۳۸۰ (براساس اطلاعات موجود) به عضویت هیأت‌مدیره و نایب‌رئیس اتحادیه صنف خواربار و لبنیات بندرعباس انتخاب شد و نقشی جدی در ساماندهی صنوف و ارتقای استانداردهای عرضه کالا ایفا کرد. همچنین از سال ۱۳۰۰ تا ۱۳۸۰ ریاست شرکت تعاونی مواد غذایی بندرعباس را برعهده داشت و با مدیریت اقتصادی و تجربه عملی خود در بهبود نظام توزیع و کاهش هزینه‌های مصرف‌کنندگان تأثیر گذاشت.

علی اقبالی را می‌توان یکی از نخستین بنیان‌گذاران فروشگاه‌داری نوین در جنوب کشور دانست؛ مردی که با دیدی مدرن و پشتکاری مثال‌زدنی، شیوه تازه‌ای از تجارت و ارائه خدمات را به بندرعباس معرفی کرد و نامش در تاریخ اقتصادی این شهر ماندگار شد.

برگرفته از کتاب نامک گمبرون، اثر علی کمالی زاده



سامیه طهوریان

تخلف ساخت‌وساز غیرمجاز در ساحل مکسر اثری که از سال ۱۴۰۳ در فهرست آثار طبیعی ملی قرار گرفته در ظاهر یک ساخت‌وساز ساده بود، اما در عمق ماجرا، نشانه‌ای از ناکارآمدی هماهنگی بین‌دستگاهی، تعارض منافع محلی و تلاش سوداگران برای تصاحب یک میراث طبیعی محسوب می‌شود. این گزارش تحلیلی، ابعاد مختلف این تخلف و همچنین پیگیری دستگاه‌های محلی برای رفع آن را بررسی می‌کند.

پرونده ساخت‌وسازهای غیرمجاز اخیر در ساحل مکسر، به‌رغم ظاهر ساده آن، به یک نمونه تکان‌دهنده از چگونگی تهدید سرمایه‌های طبیعی کشور در نتیجه تعارض منافع نهادی و خلأ نظارتی بدل شد. مکسر به‌عنوان یک ژئوسایت کم‌نظیر و ثبت‌شده در فهرست آثار طبیعی ملی نه یک ساحل عادی، بلکه یک بخش حساس از میراث زمین‌شناختی کشور است که هرگونه دخل و تصرف در آن از طریق قوانین سخت‌گیرانه ملی کنترل می‌شود. با این حال، احداث یک سازه خدماتی در حریم ساحل، زنگ خطری جدی برای آینده حفاظت از این پهنه طبیعی بود.

نخست: اصل تخلف و تاکتیک‌های فرار از قانون

ریشه ماجرا، نقض صریح حریم ۶۰ متری ساحل بود؛ حریمی که قانون هرگونه ساخت‌وساز و بهره‌برداری را در آن ممنوع کرده است. اما اهمیت این تخلف در «مکمل» آن نهفته بود. انتخاب مصالح سبک و ساندویچ پانل که معمولاً برای القای موقت بودن سازه و فرار از الزام دریافت پروانه ساخت به کار می‌رود یک تاکتیک آشنا در ساخت‌وسازهای غیرقانونی

محسوب می‌شود. هم‌زمان، استقرار بلوک‌های سیمانی و چوب نخل در محدوده ساحل نشانه‌ای آشکار از قصد توسعه مستمر و برنامه‌ریزی شده برای گسترش تصرف بود؛ گویی سوپرمارکت تنها نقطه آغاز یک پروژه تصرف تدریجی خط ساحلی بوده است.

دوم: زمان‌بندی متناذر تخلف

ساخت‌وساز در اواخر تابستان و در دوره‌ای که حضور گردشگران به حداقل می‌رسد، یک انتخاب تصادفی نبود. این بازه زمانی، دوره رکود فعالیت‌های نظارتی در سواحل جنوبی و کاهش حضور بازرسان محیط زیست و منابع طبیعی است. متخلفان با تکیه بر نبود چشم ناظر عمومی اعم از گردشگران، کنشگران محیط زیست و رسانه‌ها کوشیدند سازه را قبل از هر واکنش حاکمیتی تکمیل کنند. این انتخاب زمان‌مند، همان استراتژی آشنای «عمل انجام‌شده» بود؛ راهبردی که هدف آن ایجاد وضعیتی است که هزینه تخریب سازه برای دولت از هزینه اجازه تداوم فعالیت آن بیشتر جلوه کند.

سوم: ابهام نقش برخی نهادهای محلی

گزارش‌های میدانی و زمزمه‌های محلی، احتمال چراغ سبز برخی نهادهای سیاسی

اجرایی منطقه، از جمله فرمانداری، به این سازه خدماتی را مطرح کردند؛ ادعایی که اگرچه به‌صورت رسمی تأیید نشد، اما هم‌زمان بحران اعتماد عمومی نسبت به هماهنگی بین‌دستگاهی را تشدید کرد. تضاد میان «منطق توسعه محلی» و «منطق حفاظت ملی» در این پرونده در بالاترین حد خود بروز یافت. از یک سو وزارت میراث فرهنگی این ساحل را اثر طبیعی ملی اعلام کرده و تحت ضوابط سخت‌گیرانه قرار داده است؛ از سوی دیگر فشارهای محلی برای اشتغال‌زایی یا توسعه گردشگری، مسیری متفاوت را القا می‌کرد. نتیجه، نوعی حاکمیت چندپاره و زمینه‌ساز رانت‌جویی بود که راه را برای تصرف منابع عمومی توسط افراد یا گروه‌های ذی‌نفوذ هموار می‌کرد.

چهارم: پیامدهای محیطی و اجتماعی تخلف

احداث یک سازه کوچک شاید در نگاه نخست تهدید بزرگی به‌نظر نرسد، اما در منظر ژئومورفولوژیک ساحل مکسر، حتی یک ساخت‌وساز محدود می‌تواند هویت بصری و طبیعی منطقه را مخدوش کند. این ساحل بر پایه ساختارهای زمین‌شناسی شکننده و منظر بکر خود ارزشمند است؛ حضور یک

واحد تجاری در قلب آن، با ایجاد آلودگی، افزایش تردد، تولید زباله و فشار انسانی، نقطه شروعی برای زوال اکولوژیک آن بود. افزون بر این، رواج الگوی «اول بساز، بعد مذاکره کن» در مناطق حساس طبیعی، پیام تکرارکننده‌ای برای سایر مناطق کشور ارسال می‌کند و خطر تبدیل شدن چنین اقدامات به یک رویه را افزایش می‌دهد.

پنجم: آزمون اعتبار قانون

این رخداد در عمل به یک آزمون جدی برای حاکمیت قانون تبدیل شد. اگر یک اثر طبیعی ملی نتواند در برابر یک تخلف آشکار حفاظت شود، پیام آن برای سوداگران واضح و خطرناک خواهد بود: «قانون قابل دور زدن است.» اعتبار دستگاه‌های نظارتی، به‌ویژه وزارت میراث فرهنگی و نهادهای محیط زیستی، در گرو نحوه برخورد با چنین پرونده‌هایی است.

ششم: پیگیری‌ها و رفع کامل تخلف

اما پس از انتشار گزارش رسانه‌ها به‌ویژه گزارش «صبح ساحل» ورق برگشت. مهدی اشکنانی، دهیار بندر مقام اعلام کرد که با دستور فرمانداری بندرلنگه و همکاری نیروهای منابع طبیعی، محیط زیست، نیروی

انتظامی و دهیاری، عملیات رفع تخلف آغاز شده است. به گفته او، پس از بررسی میدانی، به متخلف ۴۸ ساعت مهلت داده شد تا سازه و مصالح را از محدوده ساحل جمع‌آوری کند. این اقدام ظرف مدت مقرر انجام شد و منطقه به حالت اولیه بازگشت. فعالان محیط زیست این واکنش سریع را نشانه‌ای امیدبخش از حساسیت اجتماعی و نقش رسانه‌ها در حفاظت از محیط‌های طبیعی ارزیابی کردند، هرچند همچنان بر ضرورت نظارت مستمر، شفافیت بیشتر و هماهنگی منسجم‌تر بین نهادهای محلی تأکید دارند. پرونده ساخت‌وساز غیرمجاز در ساحل مکسر، یک نمونه روشن از چالش میان ارزش‌های بلندمدت حفاظت و منافع کوتاه‌مدت اقتصادی است. واکنش سریع نهادهای محلی و رفع کامل تخلف، گامی مثبت بود، اما تنها بخشی از راه‌حل محسوب می‌شود. حفاظت از مکسر به‌عنوان یک میراث ملی نیازمند نظارت پایدار، انسجام بین‌دستگاهی، مقابله با رانت‌جویی و مشارکت فعال رسانه‌ها و مردم است. مکسر تنها یک ساحل نیست؛ بخشی از حافظه زمین و سرمایه ملی ماست و پاسداری از آن آزمونی برای میزان تعهد حاکمیت به قانون و میراث نسل‌های آینده است.

پرونده ساخت‌وساز در ساحل مکسر؛ از تعرض سوداگران تا عقب‌نشینی متخلفان



درخشش کارشناسان روابط عمومی شهرداری بندرعباس در رویداد ملی بارش



سامیه طهوریان



به گزارش امیدساحل، تیم بندر آوا از شهرداری بندرعباس در پنجمین دوره رویداد ملی بارش با کسب کارت طلایی، عنوان برگزیده کمیته اجرایی و تندیس تیم شایسته از نگاه داوران خوش درخشید و توانست افتخاری دیگر برای روابط عمومی شهرداری بندرعباس رقم بزند.

پنجمین دوره رویداد ملی بارش آبان ماه ۱۴۰۴ با حضور مدیران ارشد شهرداری تهران و دبیرکل مجمع شهرداران کلان شهرهای ایران در اردوگاه شهید باهنر تهران برگزار شد. این رویداد با رقابت ۲۸ تیم از ۱۱ کلان شهر کشور همراه بود که دو تیم از شهرداری بندرعباس نیز در آن حضور یافتند. دو تیم شرکت کننده از بندرعباس با نام های



پیشنهاد شهردار بندرعباس؛

تشکیل مجمع شهرهای ساحلی ایران در دومین مجمع شهرهای تاریخی



سامیه طهوریان



از ساکنان این منطقه، ماهیگیری و صیادی است و سواحل سورو همچنان بکر و دست نخورده باقی مانده اند، توضیح داد: اقدامات اولیه برای راه اندازی پایگاه بافت تاریخی سورو و برنامه ریزی جهت بازآفرینی این پهنه ارزشمند آغاز شده و این موضوع می تواند نقطه عطفی در حفظ هویت شهری بندرعباس باشد.

وی همچنین در بخش دیگری از سخنان خود، پیشنهاد رسمی تشکیل مجمع شهرهای ساحلی ایران را مطرح کرد و افزود: با توجه به اینکه کشور دارای شهرهای ساحلی متعدد، چه در سواحل خلیج فارس و دریای عمان و چه در حاشیه دریای خزر است، ایجاد این مجمع می تواند بستری برای هم اندیشی و تبادل تجربه میان مدیران شهری باشد.

شهردار بندرعباس تأکید کرد که تشکیل چنین مجمعی می تواند نقش مهمی در تقویت اقتصاد دریامحور، توسعه گردشگری دریایی و بهره گیری بهتر از ظرفیت های ساحلی کشور داشته باشد. این پیشنهاد با استقبال و توجه نمایندگان شهرهای مختلف روبه رو شد و به عنوان یکی از موضوعات قابل پیگیری در مجامع آینده مطرح گردید.

به گزارش مدیریت ارتباطات و امور بین الملل شهرداری بندرعباس مهدی نوبانی شهردار بندرعباس در جریان حضور خود در دومین مجمع شهرهای تاریخی ایران در شهر یزد، ضمن ارائه توضیحاتی درباره اقدامات شهرداری برای راه اندازی پایگاه بافت تاریخی محله سورو، پیشنهاد تشکیل مجمع شهرهای ساحلی کشور را مطرح کرد؛ پیشنهادی که با استقبال و توجه سایر شهرهای حاضر در این رویداد همراه شد.

شهردار بندرعباس به همراه جمعی از مدیران شهرداری در دومین مجمع شهرهای تاریخی ایران که به میزبانی شهر یزد برگزار شد، حضور یافت. در این نشست، وی به معرفی ویژگی های تاریخی و هویتی بندرعباس پرداخت و تأکید کرد که محله سورو، نخستین محله و در واقع شهر قدیم بندرعباس محسوب می شود؛ محله ای با پیشینه ای ارزشمند که بخش مهمی از هویت شهری بندرعباس را شکل داده است. شهردار بندرعباس با اشاره به اینکه شغل بسیاری



منصور روشن قیاس

پلی بین استعدادهای جنوب و افتخارات ملی دو و میدانی



فاطمه کریمی



منصور روشن قیاس، مربی و چهره شناخته شده دوومیدانی هرمزگان، با حکم دبیر فدراسیون ورزش های جانبازان و معلولان کشور، به عنوان سرمربی تیم ملی دوومیدانی جانبازان و توان یابان ایران منصوب شد. او این انتخاب را نه صرفاً یک افتخار شخصی، بلکه تعهدی به جوانان و استعدادهای جنوب کشور می داند؛ تعهدی برای پیوند میان ظرفیت های بومی و ساختارهای ملی تا دوومیدانی هرمزگان از حاشیه به متن قهرمانی های کشور بازگردد.

آغاز مأموریت ملی؛ از تجربه تا تعهد

با صدور حکمی از سوی دبیر فدراسیون ورزش های جانبازان و معلولان، منصور روشن قیاس، رئیس سابق هیئت دوومیدانی استان هرمزگان، به عنوان سرمربی تیم ملی دوومیدانی در بخش ID منصوب شد. بر اساس این حکم، وی هدایت و آماده سازی تیم ملی را برای حضور در مسابقات آسیایی و اقیانوسیه در تایلند و رقابت های جهانی در استرالیا بر عهده خواهد داشت.

روشن قیاس در گفت و گو با خبرنگار صبح ساحل از این انتصاب به عنوان فصلی تازه در مسیر حرفه ای خود یاد کرد و گفت: «این اولین تجربه من در سطح ملی نیست، اما هر بار که چنین مسئولیتی بر عهده می گیرم، احساس تازه ای دارم. این انتخاب ادامه مسیری است که با سال ها تلاش، تجربه و عشق به ورزش طی کرده ام. با تکیه بر ظرفیت های استان هرمزگان، باور دارم می توانیم فصل تازه ای در دوومیدانی کشور رقم بزنیم. هرمزگان همیشه استعداد های درخشانی داشته، اما کمتر دیده شده اند. حالا می خواهم پلی باشم بین این استعداد های بومی و ساختار های ملی.»

روشن قیاس بخش مهمی از هویت مربیگری خود را برگرفته از تجربه های محلی در



هرمزگان دانست و گفت: «سال ها فعالیت در استان با همه چالش ها و محدودیت هایش به من آموخت که چگونه با منابع محدود، انگیزه های بزرگ بسازم. در چنین فضایی مربی فقط راهنما نیست، بلکه یک مشاور و حامی است. این نزدیکی باعث شد در تیم ملی هم رویکردی انسانی تر و فردمحور داشته باشم. باور دارم استعداد تنها در امکانات خلاصه نمی شود؛ در نوع نگاه و رابطه ای است که با ورزشکار برقرار می کنیم.»

هرمزگان؛ گنجینه ای از استعدادهای کمتر دیده شده

یکی از محورهای مهم گفت و گوی روشن قیاس، برنامه او برای شناسایی استعداد های جنوب کشور بود. وی با تأکید بر اینکه عدالت ورزشی باید به معنای فراهم کردن فرصت برابر برای همه باشد، افزود: «جنوب کشور، به ویژه هرمزگان، گنجینه ای از استعدادهای ناب در دوومیدانی دارد که متأسفانه به دلایل مختلف از جمله کمبود امکانات و نبود دیده شدن کافی کمتر فرصت بروز پیدا کرده اند. در برنامه ریزی های فنی تیم ملی، توجه ویژه ای به مناطق کمتر دیده شده دارم. برگزاری اردو های استعدادیابی، تعامل با مربیان محلی و دعوت از استعداد های جنوبی از جمله اقدامات پیش رو است. اگر بخواهیم تیم ملی قدرتمندی داشته باشیم، باید از تمام ظرفیت های کشور استفاده کنیم و جنوب بدون تردید یکی از مهم ترین این ظرفیت هاست.»

از پیست های خاکی بندرعباس تا سکوی افتخار

روشن قیاس مسیر حرفه ای خود را از پیست های ساده بندرعباس آغاز کرده و اکنون در جایگاه ملی ایستاده است. وی ادامه داد: «راه رسیدن آسان نبود؛ کمبود امکانات، نبود تجهیزات استاندارد و نگاه های کم اعتماد از بزرگ ترین چالش ها بودند. اما همان محدودیت ها باعث شد با انگیزه و خلاقیت مسیر را ادامه دهیم. هر تمرین برایم درسی بود در مدیریت، انگیزه بخشی و شناخت عمیق تر از ورزشکاران. امروز هم همان تجربه ها ستون های اصلی سبک مربیگری من هستند.» وی یکی از اولویت های خود را پیگیری توسعه زیرساخت های ورزشی در استان های کم برخوردار عنوان کرد و گفت: «وقتی از دل استانی مثل هرمزگان آمده باشی، خوب می دانی که نبود امکانات چقدر می تواند پیشرفت ورزشکار را کند کند. حالا که در سطح ملی مسئولیتی دارم، تلاش می کنم صدای این استان ها را به گوش تصمیم گیران برسانم. پیشنهاد هایی برای تجهیز پیست ها، ایجاد مراکز استعدادیابی و

حمایت از مربیان محلی در دستور کار دارم. همچنین می خواهم اردو های تیم ملی در نقاط مختلف کشور، از جمله جنوب، برگزار شود تا عدالت ورزشی واقعی تر شود.»

دغدغه زیرساخت و عدالت ورزشی

روشن قیاس در بخش دیگری از گفت و گو افزود: «این یکی از دغدغه های جدی من بوده و هست. وقتی از دل استان هایی مثل هرمزگان رشد کرده باشی، خیلی خوب می دانی که نبود امکانات مناسب چقدر می تواند مسیر پیشرفت یک ورزشکار را کند یا حتی متوقف کند. حالا که در سطح ملی مسئولیت دارم، یکی از اولویت هایم این است که صدای استان های کم برخوردار را به گوش تصمیم گیران اصلی برسانم. در جلسات فنی و مدیریتی به طور مشخص پیشنهادهایی برای توسعه زیرساخت های ورزشی در جنوب کشور ارائه خواهم داد. تلاش خواهم کرد از تجهیز پیست های استاندارد گرفته تا راه اندازی مراکز استعدادیابی و حمایت از مربیان محلی.»

مچنین تلاش می کنم ارتباط بین فدراسیون و ادارات ورزش استان ها تقویت شود تا پروژه های مشترک تعریف کنیم. باور دارم اگر زیرساخت ها فراهم شوند، استعداد های جنوب می توانند در سطح ملی و حتی بین المللی بدرخشند.» سرمربی تیم ملی دوومیدانی جانبازان و توان یابان ایران در بخش دیگری از گفت و گو به ویژگی های خاص ورزشکاران جنوبی اشاره کرد و گفت: «روحیه جنگندگی، صبر و اراده قوی، ویژگی برجسته ورزشکاران هرمزگانی است. رشد در شرایط دشوار باعث شده آن ها از نظر جسمی و ذهنی آمادگی بالایی داشته باشند. وقتی این روحیه با دانش فنی و برنامه ریزی علمی ترکیب شود، نتیجه اش افتخار آفرینی در سطح ملی و بین المللی خواهد بود.» او همچنین یادآور شد که ورزشکاران جانباز و توان یاب هرمزگان نیز سهم بزرگی در افتخارات ملی دارند؛

«نام هایی چون حسن دهقانی و کامبیز طارمی با اراده و پشتکارشان مدال های ارزشمندی برای کشور به ارمغان آورده اند. این نشان می دهد ظرفیت ورزشی هرمزگان تنها محدود به یک بخش نیست و در همه حوزه ها می تواند بدرخشد.»

نگاهی به سوابق علمی، اجرایی و ملی منصور روشن قیاس

رزومه ی سید منصور روشن قیاس بیانگر تجربه ای گسترده، دانش علمی و عملی و نقش های کلیدی او در توسعه ی ورزش دوومیدانی ایران است. او دارای مدارک بین المللی مربیگری دوومیدانی با کد جهانی، مدیریت و رهبری در ورزش، و مدرک پیشرفته مربیگری دوهای استقامت و نیم استقامت است. همچنین گواهینامه های بدنسازی از کمیته ملی المپیک، بدنسازی اختصاصی فوتبال زیر نظر «فرتو فرتی» از ایتالیا، طب ورزشی، کار با وزن زیر نظر پروفیسور «بومپا»، و سیستم های انرژی زیر

سابقه هدایت تیم های ملی دوومیدانی در رده های سنی مختلف، تیم ملی جانبازان و معلولین و تیم ملی ناشنوایان را در کارنامه دارد. در حوزه اجرایی نیز مسئولیت هایی همچون مسئول کمیته مربیان دوومیدانی فدراسیون ناشنوایان ایران، عضویت در کمیته دوهای سرعت، کمیته راهبردی و کمیته پایه فدراسیون دوومیدانی جمهوری اسلامی ایران، مسئول انجمن دوومیدانی جانبازان و معلولین هرمزگان و ریاست هیأت دوومیدانی استان هرمزگان را بر عهده داشته است. حضور فعال او در مسابقات جهانی، آسیایی و بین المللی نیز نشان از نگاه فراملی و تجربه ارزشمندش در سطوح بین المللی دارد. انتصاب منصور روشن قیاس به عنوان



سرمربی تیم ملی دوومیدانی جانبازان و توان یابان، برای جامعه ورزش هرمزگان افتخاری بزرگ و امیدی تازه است؛ امید به روزی که استعداد های جنوبی نه در سایه کمبود امکانات، بلکه بر سکوی افتخار بدرخشند. روشن قیاس اکنون در مسیر تازه ای گام گذاشته است؛ مسیری که از پیست های خاکی بندرعباس آغاز شد و تا بزرگ ترین رویداد های بین المللی دوومیدانی ادامه دارد.

نظر پروفیسور «لانگه» را در کارنامه دارد. روشن قیاس همچنین مدرک استعدادیابی از دانشگاه هندوستان را اخذ کرده است. در حوزه آموزش و پژوهش، به عنوان مدرس دانشگاه، مدرس دوره های مربیگری و داوری دوومیدانی، عضو گروه پژوهشی کمیته ملی المپیک، عضو کمیته آموزش فدراسیون دوومیدانی ایران و عضو شورای آموزش اداره کل ورزش و جوانان هرمزگان فعالیت داشته است. در بخش مربیگری ملی،

بارندگی آذرماه، افزایش پشه آندس و موج دوم این بیماری را در دی ماه به دنبال دارد

آزیراپیدمی تب دنگی



آنا رام

هم‌زمان با افزایش روند ابتلا به تب دنگی در هرمزگان و هشدار کارشناسان درباره اوج احتمالی بیماری در دی‌ماه، رئیس دپارتمان بیماری‌های واگیر سازمان جهانی بهداشت در دفتر مدیریتانه شرقی، در بازدید از مراکز درمانی بندرعباس، وضعیت پشه آندس در استان را «جدی اما قابل مدیریت» ارزیابی کرد و بر نقش آموزش عمومی و مشارکت مردم در قطع زنجیره انتقال تأکید داشت.

ارزیابی میدانی WHO از وضعیت کنترل آندس در بندرعباس

در جریان بازدید «دکتر بندتا الگرنزی»، رئیس دپارتمان بیماری‌های واگیر سازمان جهانی بهداشت در دفتر مدیریتانه شرقی، به همراه نمایندگان سازمان جهانی بهداشت، تیم مرکز مدیریت بیماری‌های واگیر وزارت بهداشت و مدیران دانشگاه علوم پزشکی هرمزگان از بیمارستان شهید محمدی، مجتمع درمانی پیامبر اعظم (ص) و مرکز جامع سلامت شهرک توحید، آخرین وضعیت کنترل پشه آندس، روند ابتلا و چالش‌های بهسازی محیط مورد بررسی قرار گرفت. الگرنزی با ابراز رضایت از اقدامات انجام‌شده در هرمزگان گفت: استان هرمزگان آمادگی قابل توجهی در مدیریت تب دنگی دارد و هماهنگی بین دستگاه‌ها کاملاً مشهود است، درس‌های آموخته‌شده از کرونا امروز نیز در کنترل بیماری‌های واگیر مانند تب دنگی قابل استفاده است. وی پیشگیری را

مهم‌ترین محور کنترل تب دنگی دانست و افزود: آموزش عمومی و مشارکت مردم در حذف اماکن رشد پشه آندس، کلید اصلی کنترل بیماری است. توصیه ما گسترش آموزش‌ها، افزایش آگاهی جامعه و مراجعه به‌موقع بیماران است. رئیس دپارتمان بیماری‌های واگیر WHO با اشاره به همکاری‌های منطقه‌ای این سازمان گفت: در زمینه کنترل پشه آندس با کشورهای مختلف همکاری داریم. الگرنزی، تصریح کرد: هدف ما تقویت برنامه‌های ملی، ارائه راهنمایی فنی در حوزه پیشگیری و درمان و ایجاد سازوکارهای تبادل اطلاعات است. وی کنترل آندس را موضوعی منطقه‌ای دانست و بر نقش مهم تبادل داده‌ها در کاهش گسترش بیماری تأکید کرد. وی همچنین اظهار کرد که سازمان جهانی بهداشت همکاری چندین‌ساله خود با ایران در حوزه بیماری‌های واگیر را ادامه خواهد داد.

روند افزایشی بیماری

«دکتر یحیی میرزاده»، معاون بهداشتی دانشگاه علوم پزشکی هرمزگان در گفت‌وگو با صبح ساحل ضمن قدردانی از حضور نمایندگان WHO، این بازدید را فرصتی برای تبادل تجربه و ارتقای همکاری‌ها دانست. گفت: از ابتدای سال تاکنون بیش از دو هزار تست تب دنگی در استان انجام شده که ۱۹۱ مورد مثبت قطعی گزارش شده است. وی افزود: بیش از ۱۸۰ مورد مربوط به

بندرعباس است و ۶ مورد نیز ورودی از پاکستان در شهرستان‌های سیریک، جاسک و بندرلنگه شناسایی شده است. دکتر میرزاده ترکیب جمعیتی مبتلایان را نیز تشریح کرد و گفت: از مجموع موارد مثبت، ۱۶۶ نفر ایرانی و ۲۵ نفر غیرایرانی هستند و ۱۴۶ نفر از مبتلایان مرد و مابقی زن هستند. وی با بیان اینکه از ابتدای اپیدمی تاکنون ۵۰ نفر در سطح استان بستری شده‌اند، افزود: خوشبختانه تاکنون هیچ مورد مرگ‌ومیر گزارش نشده است. دکتر میرزاده این را هم بیان کرد که در حال حاضر هشت بیمار مبتلا به تب دنگی در بیمارستان‌های بندرعباس بستری هستند و حال عمومی همه آن‌ها رضایت‌بخش است. وی آغاز موج بیماری را از ۱۵ مردادماه اعلام کرد و هشدار داد: اگر در آذرماه بارندگی رخ دهد، احتمال می‌دهیم موج بعدی بیماری در دی‌ماه اتفاق بیفتد. به گفته معاون بهداشتی دانشگاه ۸۰ درصد مبتلایان بدون علامت هستند، ۲۰ درصد علائم دارند و تنها ۵ درصد دچار وضعیت نامناسب شده و نیاز به بستری پیدا می‌کنند، از آنجا که افراد بدون علامت در جامعه تردد می‌کنند، ضرورت همکاری شهروندان بیشتر از همیشه است.

معضل اصلی: چاله آسانسورها

معاون بهداشتی دانشگاه با اشاره به معضل چاله آسانسورها گفت: حدود ۷۰ درصد مشکل تکثیر پشه آندس در استان مربوط

به چاله آسانسورهاست، محیطی که به دلیل رطوبت و آب جمع‌شده، محل مناسبی برای رشد پشه است. وی توضیح داد: پشه آندس در دو ساعت قبل از طلوع و دو ساعت قبل از غروب بیشترین فعالیت خون‌خواری را دارد. بنابراین توصیه می‌کنیم مردم از لباس‌های روشن و گشاد، جوراب و مواد دافع حشرات، به‌ویژه روی دست و صورت استفاده کنند. وی افزود: پشه به رنگ‌های تیره، خصوصاً مشکی، علاقه بیشتری دارد و لاستیک‌های فرسوده از مهم‌ترین محل‌های تخم‌گذاری هستند. لارو پشه تا ۴۰ روز در سخت‌ترین شرایط زنده می‌ماند و با نخستین بارندگی و کمترین تجمع آب افزایش پیدا می‌کند. وی افزود: مهم‌ترین اصل در کنترل تب دنگی، بهسازی محیط است و از همسفریان انتظار داریم که آب‌های راكد را هر ۲ تا ۳ روز تخلیه کنند، آب زیرگلدانی‌ها را خالی و لاستیک‌های فرسوده را جمع‌آوری کنند، از رهاسازی زباله‌هایی مانند قوطی کسرو و بطری در محیط خودداری نمایند. وی افزود که تیم‌های بهداشتی در ۵۰۰ متری منازل بیماران بررسی‌های محیطی انجام داده و سم‌پاشی‌ها در سه نوبت طی دو هفته انجام می‌شود.

معاون بهداشتی دانشگاه علوم پزشکی استان گفت: دو نوع پشه آندس داریم در استان هرمزگان به نام «اجیتی» و «البویکتوس» که در دو ساعت قبل از طلوع و دو ساعت قبل از غروب آفتاب بیشترین گزش

پشه آندس، چگونه بندرعباس را محاصره کرد؟

زهر ببر آسیایی



بشقاب‌های زیر گلدان و گیاه بامبو و نقاطی که آب کولر جمع می‌شود، زندگی می‌کند و در صورت مشاهده این پشه خطرناک نیاز است تا فاصله یک کیلومتری از مکان رؤیت آن ضدعفونی شود.

پشه آندس در ایران

هفته گذشته یاسر مرادی، مدیر شبکه بهداشت و درمان شهرستان قشم از مشاهده و صید زنده پشه مهاجم دنگی یا آندس در بررسی‌های محیطی در سطح یکی از شهرک‌های مسکونی این شهر خبر داد. احمد رئیس، رئیس اداره کنترل و مبارزه با مالاریا و وزارت بهداشت با اشاره به شناسایی پشه آندس «آلبو پیکتوس» در نقاط شمالی و با بیان اینکه این پشه بومی کشور ما نیست، اظهار کرد برای پیشگیری از طغیان بیماری با پشه آندس سیاست ما در نقاط شمالی و جنوبی کشور یکسان است و تنها اقدام مهم، بهسازی و پاک‌سازی محیط با همکاری بین بخشی مناسبی است که به‌تازگی با مدیریت استانداری گیلان آغاز شده است تا پشه استقرار نیابد.

آسیایی نیز شناخته می‌شود و بیشتر در مناطق استوایی جهان به‌ویژه آسیای جنوب شرقی دیده شده است. نیش پشه آندس منجر به تب دنگی یا استخوان‌شکن می‌شود و کسی که مورد گزش این پشه قرار گیرد، پس از گذشت چند روز از علائم سطحی، احساس بهبود موقت می‌کند و سپس به صورت ناگهان دچار کما و حتی مرگ خواهد شد. پشه‌های آندس از نظر ظاهری متمایز هستند زیرا علائم سیاه و سفید قابل توجهی روی بدن و پاها دارند. برخلاف اکثر پشه‌های دیگر، آنها فعال هستند و فقط در طول روز نیش می‌زنند.

علائم نیش پشه آندس

تب دنگی از طریق پشه‌ای تحت عنوان آندس به انسان منتقل می‌شود که علائم آن سردرد، کمردرد، تب معمولاً شدید و در برخی موارد خارج و جوش در قسمت‌های مختلف بدن است.

محل زندگی پشه آندس

پشه آندس که بسیار خطرناک است در

و گروه‌های مردمی برای پاک‌سازی محلات، نبود نظافت مستمر، ضعف در جمع‌آوری پسماندها و بی‌توجهی به جوی‌های باز شهر، باعث شده تا مردم احساس ناامنی بهداشتی داشته باشند. بسیاری از خانواده‌ها از ترس تب دنگی، کودکانشان را شب‌ها از خانه بیرون نمی‌برند. کارشناسان هشدار می‌دهند اگر لایروبی‌ها و اقدامات ضدپشه با جدیت بیشتری انجام نشود، بندرعباس ممکن است به یکی از کانون‌های اصلی تب دنگی در کشور تبدیل شود.

پشه آندس چیست؟

پشه آندس که تحت عنوان ببر آسیایی نیز شناخته می‌شود در مناطق استوایی جهان به‌ویژه آسیای جنوب شرقی از جمله مالزی وجود دارد. این پشه ناقل بیماری‌های خطرناک و کشنده‌ای از جمله تب دنگی است که در بسیاری از کشورها شیوع یافته و تلفات انسانی بسیاری نیز داشته است.

پشه آندس

آندس نام پشه‌ای است که تحت عنوان ببر



سامیه طهوریان

شب‌های خنک بندرعباس دیگر آرام نیست. صدای وزوزی نازک اما سمج، مثل شبی که دور گوش‌ها می‌چرخد، خواب را از چشم مردم ربوده است. پشه‌ای کوچک اما مرگ‌بار، با بال‌هایی لرزان و نیشی آلوده، در کوچه‌ها، خانه‌ها و حتی کلاس‌های درس پرسه می‌زند؛ نامش «آندس» است، دشمنی خاموش که با خودش تب، ترس و بی‌قراری آورده است. روند ابتلا به تب دنگی در هرمزگان، به‌ویژه در بندرعباس، صعودی و نگران‌کننده شده است. طبق آخرین اعلام دانشگاه علوم پزشکی هرمزگان، تاکنون ۲۰۵ نفر در استان به این بیماری مبتلا شده‌اند؛ رقمی که نسبت به سال گذشته بیش از دو برابر شده و زنگ خطر را برای سلامت عمومی به صدا درآورده است. کارشناسان می‌گویند که پشه آندس در تمام محلات بندرعباس مشاهده می‌شود و دیگر نمی‌توان نقطه‌ای از این شهر را عاری از آلودگی دانست.

اما آنچه بیش از همه مردم را نگران کرده، لایروبی‌نشدن جوی‌ها و تجمع آب‌های راكد در معابر و محلات مرکزی شهر است. جوی‌های پر از زباله و لارو (نوزاد پشه) حالا به کانون اصلی تکثیر آندس بدل شده‌اند. ساکنان خیابان‌های قدیمی مرکز شهر از بوی تعفن، گزش‌های مکرر و بی‌توجهی برخی